

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

ملالی موسی نظام  
اکتوبر ۲۰۰۸

## ده در کجا و درخت ها در کجا؟

### نظری به مصاحبه آقای ویس ناصری در تلویزیون آقای خطاب

هموطنان ما به یقین امروز، جمعه ۱۷ اکتوبر مصاحبه آقای "ویس ناصری" با محترم آقای "عارف عباسی" شخصیت برآزنده و ملی افغان را شنیده باشند که بیشتر به موضوعات عمل کرد گروه‌های خلق و پرچم و اتحاد دوباره آنها چه از طریق اعضای پارلمانی شان، چه از طریق اجتماع حزبی در گروه نام نهاد «جبهه ملی» و چه از فعالیت آنان در خارج از افغانستان، از یکطرف و تاحدی از فعالیت تنظیم های جهادی و رؤسای آنان چه در عصر جهاد و چه در سال های ۱۹۹۲ - ۱۹۹۶ مباحثه صورت گرفت. البته همان طوری که درین مباحثات معمول است، لین های تیلیفون برای نظریات بینندگان و سؤالات آنها باز گذاشته میشود، که به اینجانب هم فرصتی میسر گشت که در پروگرام برای چند دقیقه ای شرکت نمایم.

چون آقای ناصری ادعا نمودند که آنهایی که در قسمت از بین بردن حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان به هر نحوی فعال بوده باشند، در تاریخ به مملکت خویش خیانت نموده اند. این قلم در فرصتی که دست داد به این سؤال پرداختم:

پرسیدم که آیا آنانی که با دشمن معاهداتی را امضا نموده باشند که با دلایل مستند و تاریخی منافی تمامیت ارضی بوده اند، آیا از نظر ایشان خیانتکار شمرده میشوند یا نه؟ باید گفت که بر علاوه قرارداد جبل سراج، آقای "ناصری" همین قرار داد خنجان راهم بعد از کودتای "شهنواز تنی" و "حکمتیار" در دهه ۹۰ میلادی میداند، در حالیکه متأسفانه این قرار داد خود یکی از همان معاهدات سؤال بر انگیز تاریخ است که "احمد شاه مسعود" با روس ها امضا نموده است. این قرار داد که به شهادت آقای "حسن شرق"، که خود در عصر "داود خان" در رابطه با کمونیستان فعال بود و رول فعالی راهم در کودتای منحوس ثوربر عهده داشت، با شوروی سابق، امضا میگردد.

آقای "شرق" مینویسد که در زمان "نجیب" که وی صدراعظم رژیم میباشد تصمیم گرفته میشود که قسمت های شمال افغانستان زیر نام حکومت تاجکان، از قسمت جنوب آن جدا گشته و به زعامت "احمد شاه مسعود"، دولت دیگری تشکیل گردد (۱) که به اساس آن معاهده ای در پنجشیر توسط جنرال شوروی، "شهنواز تنی" به حیث نماینده "نجیب" و "احمدشاه مسعود" به حیث قهرمان پنجشیر امضا میگردد. سؤال من این بود که با امضای این معاهده خیانتی صورت گرفته است یا نه؟؟

چون من از مدتی با تکلیف گلو و صرفه و حساسیت های فصلی سردچار هستم، البته که صدای من و صرفه های پیهم سبب آزار آقای "ناصری" گردید و به عوض تشریح تاریخی موضوع مورد بحث، اول ادعا نمود که من چرا خود را معرفی نکردم و بعد ادعا کرد که لحن من بسیار عصبی و هیجانی است. در حالیکه بعد از عرض سلام و احترام آقای "عباسی" فوراً اسم مرا ذکر کردند که من هم تصدیق نمودم.

باری باید تذکر داد که به هر دلیل و هر دسیسه ای که جناب "ویس ناصری" را به فعالیت فرهنگی و سیاسی اینجانب ارتباط می دهد، باید به وضاحت تصریح نمود که پلان وی و اشخاصی که در خفا به نامبرده در فعالیت هستند، فقط و فقط روی یک هدف خاص، تکراری و بی بنیاد برای شستشوی مغزی خوانندگان و بینندگان بنا یافته به خاطر تحقق آن مذبحانه در تلاش اند. اینست جواب و تبصره های آقای "ویس ناصری" بر تشریحات استناد یافته بر مضمون "حسن

شرق" و «تحریف» گفته های من به ارتباط به همان کوشش مذبحخانه که وی در پیچاندن اینجانب در لحاف بیمار و کثیف « فاشیسم » می نماید!

با اینکه من در مصاحبه صریحاً ارتباط آقای "حسن شرق" را با گروپ پرچم در عصر "داود خان" و رول او را در کودتای ثور بیان داشتم، آقای "ویس ناصری" با جرأت ادعا «!» نمودند که گویا من طرف داکتر "شرق" را «!» گرفته ام!! در مورد سؤال من بر قرار داد "احمدشاه مسعود"، چون سالهاست که از آقای "ویس ناصری" خواهش میگردم که در قبال طرفداری از جنگ سالار مذکور و جنگ هایی که وی ادعا مینماید، باید اقلأ با نقد بیطرفانه و با تکیه به حوادث واقعی ای ملت افغان، یکی از کتب ارزشمندی که درین راستا به نشر رسیده است، بخاطر همان سر سپردگی و دفاع از کار روایی های قوماندان مذکور، شیر مردانه داخل میدان گردد و با دلائل مبرهن «نه با سفسطه سرائی های همیشگی»، استناد موجهه و بالاخره با استدلال صاف و روشن تاریخی ادعاهای همه این راپور ها و خاطرات شاهدان عینی خارجی و داخلی را از قهرمان رویایی خویش زدوده و دور نماید! در غیر آن لازم است که هواخواهان قومندان مذکور باید بدانند که او صرف دشمن قومندان "مسعود" است که و یرا همیشه سر زبانها انداخته و به گفته بزرگان، نادان دوستیست که قهرمان خویش را متواتر بر زمین میزند!!

درین مصاحبه که خوشبختانه DVD آن از طریق تلویزیون "پیام افغان" و سایت "آزمون ملی" منتشر خواهد گردید، بینندگان عزیز را یکبار دیگر به قضاوت سالم و وجدانی شان دعوت مینمایم تا ببینند که من با استناد به آقای "حسن شرق"، به سلسله معرفی طرفین قرار داد گفته ام : **جنرال روسی از جانب اتحاد شوروی "شهنواز تتی" به حیث نماینده حکومت "نجیب" و "احمد شاه مسعود" به حیث (۱) قهرمان پنجشیر .**

آقای "ویس ناصری" که بدون شك و تردید، بر عکس هزاران هموطن دیگر مثل ما، که به اجبار ترك وطن نموده و در جنجال ها و سرگردانی های مهاجرت مبتلا گردیدیم، الحمدلله با سرپرستی و پیشبرد اهداف گروه قهرمانان ویرانی شهر کابل، در آلمان به حیث نماینده صادق آنان و مرحمت های چپ و راستشان، کاملاً تربیت و عادت همان سازمانی هایی را که در همین مصاحبه به ادغام شان با حکومت "ربانی - مسعود" صریحاً اقرار کرد، کسب نموده اند، برای کوچه بدل نمودن و فرار از جواب، بر من تهمت "پنجشیری" نامیدن قومندان "مسعود" رانمود!

**لا حول والله قوت الا بالله!! وگر نه، ده در کجا و درخت ها در کجا !!**

من متن مضمون داکتر "شرق" را میخوانم و آقای "ویس ناصری" بر من «تهمت» مینماید که من "احمد شاه مسعود" را "پنجشیری" خطاب نموده ام!! بنابراین، به اساس همان تربیت حزبی، بدون اینکه به جواب قناعت بخش سؤال بپردازد، شروع کرد به سفسطه سرایی برینکه خوب نیست مردم افغانستان را توهین نموده و از آنها به خاطر منصوب بودنشان به این قوم و آن قوم، مثلاً "پنجشیری"، به زشتی یاد نمایم!

آقای "ناصری" در خواب مگر به این آرزو برسند که این قلم کوچکترین توهینی به هیچ فردی از ملت افغان و ولو خائن ترین های آنها از قبیل "بیرک" و "ترکی" و یا هر وطن فروش دیگری که باشد، به اساس وابستگی آنها و یا اقوام شریف آنها به یکی از مناطق افغانستان عزیز بنماید!! شما و گروپ پنهان و هویدای تان هرگز و هیچ وقت قادر نخواهید شد که من و هموطنان افغانستان دوست و ملت دوست مانند مرا، در لحاف تفرقه اندازان بی هویت قومی که جناب شما دو دهه جزء لایتجزای آنان شمرده میشدید، بیچنانید.

فراموش نکنید قلم شما و سایت شما هر روز جامه بدل مینماید و گاهی به توصیف "حکمتیار" میپردازد و زمانی "جمیعتی" و "مسعودی" میگردد..... همین اعضای شورای نظار را که اخیراً از چپ و راست میکوبید، سال های متوالی فرمانروایان و حامیان و ولی نعمتان شما بودند. در آن سالها به حکم تاریخ همین ها آنچه بر مردم خود روا داشتند، کافر و ملحد روا نداشت، به یاد بیاورید که کابل را کی ویران نمود و ۶۵ هزار شهید پایتخت در زمان فرمان بری جناب شما به آنان چگونه مظلومانه به قتل رسیدند!! برای یکبار هم شده است فاجعه خانمان سوز "قتل عام افشار" را به یاد بیاورید!! شما که با پر روئی اتهام "پنجشیری" گفتن را بر من مینماید، آیا آن دخترکان معصوم و زنان "هزاره" مارا که باخسونت مورد قتل و تجاوز عساکر "مسعود" قرار گرفتند، گاهی در سایت آزمون ملی یاد نموده انید؟؟ چون هزاره هستند یا علت دیگری دارد؟؟ شما آقای ناصری که هنوز از خیر تخلص قومی آزاد نگشته اید، بدانید که ملت افغان در هر نقطه عالم میداند که اعمالنامه آنانی که جای پای مثبت و منفی ای در سر نوشت آنها داشته اند، در صفحات تاریخ چه قسم قلم خورده است!! مطمئن باشید که آنها من و شما و دیگران را میشناسند!!

همان طور که در بالا ذکر گردید، شکی نیست که از مدت زمانیکه که آقای "ویس ناصری" تلاش پیگیری در منصوب نمودن این جانب به قوم بازی، فاشیست سازی و بستن من به شئونیزم را آغاز نموده است. با اینکه همه مضامین مرا که همیشه در راه شناسائی تاریخ واقعی سه دهه ملت افغانستان، حقوق بشر، علی الخصوص زن و طفل مظلوم و بی دفاع افغان، وحدت تمام اقوام شریف افغان که به حکم قانون برابر هستند، و در مجموع برای عدالت واقعی جامعه از هم پاشیده افغانستان به قید قلم در آمده است؛ مطالعه مینماید، با اصرار و ابرام مذبحخانه ای میکوشد که مرا تاپه شئونیزم بزند. چرا؟ چون دست هایی که در خفا برای از بین بردن وحدت ملی و اتحاد تمام اقوام این خطه پاک در

تلاش هستند، باید تاپه هایی را بر ملی گرایان و ملت دوستان بزنند که همان شیرازه مقدس اتحاد مردمی از هم بپاشد. جناب ناصری با وضاحت آشکار، هفته گذشته بعد از «تحریف» و تغییر نشر مضمون من بر وحدت ملی (۲) خط بطلان کشیده و اعلام نمود که بر محتویات استدلال قانونی اینجانب در حمایه از وحدت گرابنهای ملی، مطابق به مواد قانون اساسی، الزاماً (۳) موافقت ندارند!! خدا کند خانه فرهنگ ایران در شهر ایسن درین عمل دخیل نباشد!!  
من الله توفیق!!

\*\*\*\*\*

نوت:

۱ - متن قسمتی از مضمون داکتر شرق زیر عنوان «آغاز و انجام حکومت انتقالی»: جنرال متاسفانه هنوز دو هفته از استعفای شفاهی منظور ناشده نگذشته بود که با استفاده از تعلیق حکومت انتقالی، جنرال گروموف قوماندان اردوی نمیر ۴۰ شوروی با جنرال شهنواز «تنی»، وزیر دفاع با داشتن فرمان داکتر «نجیب الله» جهت تعمیل هدایت «گوربا چف» در برآوردن خواسته های «احمد شاه مسعود»، عازم پنجشیر میشوند.

آنچه که بعدها افشا گردید نشان میدهد که در پنجشیر بعد از ملاقات و مذاکره به رسمی شدن معاهده خنجان موافقه میشود که ولایات بدخشان، تخار، کندز، سالنگ شمالی و جنوبی جمع پنجشیر به حیث ایالت خود مختار تاجیکان تحت اداره «احمد شاه مسعود» گذاشته شود. مقابلتاً «احمد شاه مسعود» متضمن امنیت شاهراه سالنگ و حراست از قوای شوروی و سرکوبی مخالفین حکومت کابل در منطقه تحت فرمان خویش می شوند. معاهده را جنرال «گروموف» به حیث قوماندان اردوی شوروی در افغانستان، و «احمد شاه مسعود» به صفت «فرمان جبهه پنجشیر» به حضور داشت جنرال شهنواز «تنی» فرستاده و نماینده خاص رئیس جمهور امضاء و تبادل می کنند.

۲- لطفاً مضمون اینجانب را تحت عنوان «وحدت ملی یگانه وسیله استقرار سیاسی و صلح در افغانستان!!» در پورتال ملی «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» مطالعه بفرمائید.

۳ - مضمون تحریف شده و تصرف شده اینجانب را در سایت آزمون ملی تحت عنوان «وحدت ملی و استعمال اصطلاح افغانستانی» با تبصره آقای «ویس ناصری» در بالای مضمون میتوانید به دقت مطالعه نمایید.